



انترناسیونال

۳۰۸

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه ۱۶ مرداد ۱۳۸۸، ۷ آگوست ۲۰۰۹

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

anternasional@yahoo.com

سرمدیر: محسن ابراهیمی

فراخوان به اعتراض سراسری در ۲۸ مرداد بمناسبت سی امین سال یورش جنایتکارانه رژیم به کردستان

اسلامی گفت. جمهوری اسلامی برای سرکوب انقلاب در سطح سراسری و تثبیت حاکمیت سیاه خود صفحه ۱۰

آزادیخواهانه مردم ایران بود که حکومت شاه را بزیر کشید. کردستان سنگر انقلاب باقی ماند و از همان اول "نه" محکمی به جمهوری

۲۸ مرداد سی امین سالروز یورش وحشیانه رژیم و اشغال نظامی کردستان است. لشگرکشی به کردستان تهاجمی به انقلاب



اینور خط

پاسخی کوتاه به سوالات فرزندان حجابیان و امین زاده و ...

مینا احدی

صفحه ۴

این روزها بسیاری در ایران و در دنیا نگران عزیزانشان هستند. عزیزانی که به "جرم" شرکت در راهپیمایی و اعتراض به یک حکومت فاشیست و دیکتاتور دستگیر و روانه سیاهچالهای حکومت اسلامی شده

نمایش شنیع "تواب" سازی را بر سر جمهوری اسلامی خراب کنیم!

صفحه ۷

کلیه نیروهای سرکوبگر رژیم باید از کارخانه ها و مراکز تولیدی اخراج شوند

صفحه ۶

چند گزارش از برگزاری تظاهرات علیه جمهوری اسلامی

صفحه ۱۰

در ارتباط با مضحکه تحلیف احمدی نژاد

صفحه ۲

نگاهی به تاریخ تحولات و جریانات سیاسی در ایران به مناسبت ۲۸ مرداد ۵۸ و دستور خمینی برای کشتار مردم در کردستان



محمد آسنگران

در این نوشته میخواهم به تحولات و نیروهایی پردازم که هم در گذشته و هم در دوران حاضر نقش ایفا کرده و شناخت سیاست آنها حائز اهمیت است. برای شناختی تاریخی و دیالکتیکی موضوعات و مولفه هایی که مورد بحث قرار میگیرند میتوانند تجارب زیادی را برای نسل جوان و برای فعالین و رهبران جنبش انقلابی جاری در ایران در بر داشته باشد.

مناطق ایران در همان ایام هم به وضوح آشکار بود. زیرا همه شهروندان ایران آزمون امیدشان این بود که انقلابشان به بار بنشیند و ثمر بخشد. ولی ضد انقلاب اسلامی برای پس زدن همین امید و آرزوها به قدرت رسیده بود.

اکنون بعد از ۳۰ سال ضد انقلاب اسلامی، خود با یک انقلاب آزادیخواهانه مواجه شده است. عزم جزم مردم برای به زیر کشیدن جمهوری اسلامی بجز بر مغرضان و کسانی که منفعی در این راه دارند بر هیچ کسی پوشیده نیست. مردم در ابعادی میلیونی در خیابانها هستند.

جمهوری اسلامی با تمام دم و دستگاه سرکوش توان سرکوب و مهار کردن این جنبش انقلابی را ندارد. پشم و پیله این رژیم ریخته است. انسجام درونیش را از دست داده است. جناحهای مختلفش به جان هم افتاده اند. بن بست کامل و بدون راه حل گریبان تمام سرنشینان کشتی حکومت اسلامی را گرفته است.

ابتدا بگویم که ۲۸ مرداد روز آغاز اجرای فرمان خمینی برای کشتار مردم کردستان و آغاز حمله همه جانبه به دستاوردهای انقلاب ۵۷ بود. حمله نظامی گسترده رژیم تازه به قدرت رسیده در سال ۵۸ از کردستان آغاز شد. اما این حمله ای به دستاوردهای انقلاب و همه انقلابیون و مردم آزادیخواه ایران بود. این آغاز حمله ای خونین برای سرکوب انقلابی بود که مردم به منظور رهایی از فقر و استبداد و برای رسیدن به آزادی از قید و بندهای حکومت پهلوی و نظام حاکم به آن دست زده بودند.

مردم انقلاب کرده بودند که به آزادی و رفاه برسند. رژیم اسلامی برای مهار همین انقلاب به قدرت رانده شده بود. به همین دلیل اینرا تحمل نکرد و با حمله به مردم دستاوردهای آن انقلاب را پس گرفت و یک ضد انقلاب اسلامی را با سرکوبی خونین سازمان داد. همسرنوشتی مردم کردستان و دیگر

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱

نگاهی به ...

کشتی حکومت اسلامی در حال غرق شدن است. اعتراضات بی امان مردم ایران امکانی برای نجات این کشتی سوراخ شده به ساحل را به هیچ جناحی نمیدهد. جنگ باندهای حکومتی و حاشیه حکومت به دلیل وجود همین جنبش اعتراضی و دورنمای تاریکی که در مقابل این حکومت قرار داده است، آنها را بیش از پیش به جان هم انداخته است. همچنانکه قبلا هم تاکید کرده ایم اینبار امکان سازش جناحهای حکومت اسلامی و تحکیم دوباره رژیم اسلامی به امری غیر ممکن تبدیل شده است. اصطلاح قدیمی "در سربالایی اسبها همدیگر را گاز میگیرند" مصداق حال شرایط کنونی سران حکومت اسلامی است.

در چنین شرایطی همان رژیمی که انقلاب ۵۷ را شکست داد و بقدرت رسید، میخواهد این جنبش انقلابی جاری را هم سرکوب کند و امکان پیروزی این انقلاب را از مردم سلب کند. اما این دو مقطع تاریخی هیچکدام از مولفه هایشان شباهتی به هم ندارد. دوران اوایل قدرتگیری این باندهای حکومتی فاکتورهایی به نفعشان عمل میکرد که اکنون همه آنها به ضررشان است: رژیم اسلامی اعتباری برایش نمانده است. هیچ بخشی از مردم به این رژیم متوهم نیستند. شخصیت با نفوذ و وحدت بخشی در میان سران رژیم وجود ندارد. دول غربی اگر ابتدا راه را برای به قدرت رسیدن این رژیم هموار کردند، اکنون برای خلاصی از آن و تبعات جهانی آن، به دنبال آلترناتیو مورد نظر خود هستند. اکنون حتی بخشی از سروکوبگران تاریخ ۲۸ مرداد ۵۸ خود را به عنوان اپوزیسیون حکومت معرفی میکنند. از همه این فاکتورها مهمتر اینکه اعتراضات مردم نه در پرتو توهم به مذهب رهایی بخش که علیه آن است. این اعتراضات نه برای تثبیت فرهنگ شرقی که علیه آن است، غرب و فرهنگ مدرن غربی اگر در آن دوره از جانب سازمانهای سیاسی و خیل آخوند پیک زده و شرق زده تکثیر میشد، اکنون بخش قابل توجهی از آنها این فرهنگ را نه تنها مباح که مقبول میدانند. حتی رژیمها میخواهند خود را با همونایی با فرهنگ غربی مقبول مردم کنند. در دوران انقلاب ۵۷ ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی در قدرت بود و جنبش اسلامی در

اپوزیسیون. اسلام سیاسی پرچم بخش مهمی از چپ و راست آن جامعه بود. چپ شناخته شده آن جامعه توده ایها و سازمان چریکهای فدایی خلق بودند. اکنون همه این فاکتورها تغییر کرده است. "چپ" توده ای اکثریتی در جامعه ایران تماما به زیر عباي آخوندها خزیده و امروز دیگر آنها را کسی به نام چپ خطاب نمیکند. اسلام سیاسی و قوانین اسلامی در این ۳۰ سال گذشته امتحان خود را پس داده و چهره کریه و انسان ستیز خود را نشان داده و مردم علیه آن به خیابان آمده اند.

بر عکس دوران به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی، که خیل آخوند و غیر آخوند جنبش ملی اسلامی همه با هم متحد و علیه مردم و دستاوردهای انقلاب بودند، اکنون جنبش انقلابی مردم نیروهای این جنبش و همه جانیان حاکم را به جان همدیگر انداخته است. نیروهای جنبش ملی اسلامی از مجاهدین خلق گرفته تا نهضت آزادی و جبهه ملی و حزب توده و اکثریت و رهبران حزب مشارکت و مجاهدین انقلاب اسلامی و جمهوریخواهان و... تا بخشی از خود رژیم اسلامی به اسم اصلاح طلبان حکومتی همگی در کنار خمینی بودند و برای سرکوب مردم و کنترل اوضاع به نفع حکومتی اسلامی و یا حکومت "تاب محمدی" اعلام آمادگی میکردند. اکنون همه اینها خود را اپوزیسیون حکومت فعلی جمهوری اسلامی میدانند.

مجاهدین خلق که امروز به این وضع فلاکت بار افتاده و اکنون معضل جدی اینست که افراد آن را باید از این جهنمی که رهبران مجاهدین برای آنها ساخته اند نجات داد، در دوران به قدرت رسیدن حکومت اسلامی یکی از نیروهای قدیمی و قوی جنبش ملی اسلامی بود. آن هنگام همین سازمان مجاهدین طی اطلاعیه ای نوشت: "اگر امام دستور بفرمایند مجاهدین مردم کردستان را از عوامل بیگانه و ضد انقلاب تفکیک میکنند و آرامش را به کردستان برمیگردانند." بزعم مجاهدین ضد انقلاب ما کمونیستها بودیم و "مردم کردستان مفتی زاده و حزب دمکرات کردستان بودند. در این مورد خیلی زود تاریخ حقایق ما را ثابت کرد و ارتجاعی بودن سیاست رهبری مجاهدین را به همگان نشان داد. استدلال زیادی

لازم نیست تحولات و موقعیت کنونی کمونیستها و اسلامیها برای این ادعا کافی است.

توده ایها و بعد از انشعاب سازمان چریکهای فدایی خلق بخش اکثریت آن کل جنبش انقلابی مردم در کردستان و نیروهای دخیل در مبارزات مردم کردستان را همانند خمینی عامل پالیزبان و آمریکا و عامل بیگانه قلمداد میکردند. نیروها و سازمانهای جنبش ملی اسلامی کم و بیش همگی همین سیاست را در پیروی از خمینی علیه مردم در پیش گرفته بودند. همه اینها البته در فازهای بعدی عمر جمهوری اسلامی یکی بعد از دیگری مورد غضب امامشان قرار گرفتند و با تعرض حکومت اسلامی مزه همراهی و دوستی با جمهوری اسلامی را چشیدند و قربانی شدند.

اما اینها تنها خودشان قربانی سیاستشان نبودند. بلکه با سیاستی که در پیش گرفتند هم باعث تحکیم رژیم اسلامی شدند و هم مردم را قربانی کردند. همچنانکه بسیاری از اصلاح طلبان حکومتی، که امروز در زندانهای حکومت هستند، خودشان مستقیما قاتلین مردم بوده و در ساختن این ماشین جنایت اسلامی فعالانه شرکت کرده اند. امروز همین سازندگان سازمان اطلاعات و سپاه پاسداران، خودشان قربانی دستگاه سرکوبی هستند که در ساختنش نقش اساسی داشته اند. بسیاری از سران مجاهدین انقلاب اسلامی و حزب مشارکت و کارگزاران و... هم اکنون در پشت میله های زندان هستند. نیروهای جنبش ملی اسلامی هنگامی به فکر شعار آزادی زندانیان سیاسی و حقوق مردم افتاده اند که برادران و خواهرانشان را در زندان یافتند.

موضوعات بالا نقش و سیاست نیروهایی را در جامعه ایران نشان میدهد که در گذشته نه چندان دور در صحنه ها و اتفاقات سیاسی مختلفی، نقش بازی کرده و با توجه به این نقشها میتوان جایگاه و ماهیت آنها را به روشنی دید. ابتدا همه اینها خودی های جمهوری اسلامی محسوب میشدند. اما جمهوری اسلامی، تازه به قدرت رسیده از همان اول جنگ قدرت و جنگ برای تثبیت شدن و عادی شدن حکومت یکی بعد از دیگر همراهان و "پسر عموهای" خود را قربانی کرد. از همان روزهای اول حکومت با آغاز جنگ قدرت و همزمان جنگ علیه دستاوردهای انقلاب در میان این

صف شکاف افتاد. زیرا همانند امروز که موسوی و کروبی و حتی رفسنجانی را در اپوزیسیون مبینید و درجه اپوزیسیون بودن آنها در چهار چوب نظام معنی میدهد، آن هنگام و در سالهای آغاز حکومت رژیم اسلامی هم تعدادی از خودیهایشان مثل مجاهدین خلق و بعدا توده ای اکثریتها و بالاخره نهضت آزادی و... اپوزیسیون قانونی و بعدا غیر قانونی جمهوری اسلامی شدند. جنگ علیه انقلاب آزادیخواهانه مردم و مقاومتی که از جانب مردم و نیروهای چپ رادیکال شکل گرفت در میان حکومتها و مدافعین حکومت اختلاف ایجاد کرد. زیرا هر کدام از آنها راه حل ویژه خود را برای مهار مردم معترض پیشنهاده میکردند. در جدال مردم و نیروهای آزادیخواه و چپ با جمهوری اسلامی جناح خط امام و حزب الهی با شعار "حزب فقط حزب الله" بقیه رقبای خودیها را از حاشیه خود دور کرد و با سرکوب هر اعتراضی حتی اعتراضات نیم بند نیروهای خودی، همه آنها را به اپوزیسیون راند. جناح حاکم و در راس آن خمینی جنگ ایران و عراق را نعمت الهی قلمداد کرد و با استفاده از آن، همه مخالفان سر سخت و حتی نیم بند خود را قلع و قمع کرد و قدرت را یک کاسه کرد.

اما بعد از جنگ ایران و عراق جامعه وارد فاز دیگری شد. چند سالی با سیاست "سازندگی" رفسنجانی همین نیروها بجز مجاهدین خلق که در کنار صدام حسین قرار گرفته بود، قند در دلشان آب شد و فیلشان یاد هندوستان کرد. جنب و جوش اصلاح طلبان حکومتی از همین دوران آغاز شد. بعد از شورشهای شهری در دوران رفسنجانی بخشی از حاکمان تحت عنوان "اصلاح طلبان حکومتی" به این نتیجه رسیدند که ادامه عمر جمهوری اسلامی تنها با سرکوب خشن ممکن نیست. آنها نتایج کشتار و نسل کشی دهه ۶۰ دیده بودند و بعد از یک دهه از این نسل کشی، شورشهای شهری را هم در جلو چشم داشتند. متوجه شدند که با کشتار و نسل کشی نتوانسته اند جامعه را به قبرستان تبدیل کنند. به همین دلیل دنبال راه حل و سیاست دیگری برای ادامه حکومت اسلامی بودند.

به فکر چاره جویی افتادند. آن هنگام رفسنجانی مانع اصلی به شمار میرفت. همه اصلاح طلبان و دوستان امروزی رفسنجانی در صف

جنبش اصلاحات، آن دوره دل خوشی از رفسنجانی نداشتند. اصطلاح "انحصار طلبی" کلمه دقیقی بود که جناح اصلاح طلب به رقبای خود اطلاق میکرد. زیرا برای رسیدن به قدرت جناح حاکم را دوست و متحد خود اما انحصار طلب میدانست و از این گله داشت که بخشی از سازندگان رژیم اسلامی در حاکمیت نیستند و یا از حکومت کنار گذاشته شده بودند. بر این اعتقاد بودند که با شریک شدن همه مدافعین جمهوری اسلامی در قدرت پایه های حکومتشان را محکم میکنند.

بعدا به رهبری خاتمی جنبش اصلاحات حکومتی در دوم خرداد ۷۶ به قدرت رسید. جناح "انحصار طلب" برای مهار ناراضیتهای مردم به قدرتیگری آنها رضایت داد. اما مردم از همین منفذ استفاده کرده و رژیم را زیر ضرب گرفتند. در ۱۸ تیر ۷۸ این اعتراضات به اوج خود رسید و جنبش توده ای سرنگونی رژیم اسلامی پا به میدان گذاشت. جناح "انحصار طلب" متوجه این واقعیت شد که اصلاح طلبان توان مهار اعتراضات مردم را از دست داده و راهی بجز سرکوب آشکار و خشن نمیتواند برای حفظ جمهوری اسلامی متصور باشد. به همین دلیل احمدی نژاد به عنوان مهره ای که گوش به فرمان سپاه و ولی فقیه است را از صندوق درآوردند.

اصلاح طلبان که قبلا مردم و جنبشهای اعتراضی از آنها رد شده بودند، شکستشان برای ولی فقیه به همراه سپاه و اطلاعات کار سختی نبود. بعد از این اتفاقات اصلاح طلبان علیرغم ناراضیاتی و شکستی که از جناح رقیب خورده بودند به خیال اینکه ولی فقیه و احمدی نژاد ممکن است بتوانند به کمک سپاه پاسداران و اطلاعات راهی برای حفظ رژیم و ساکت کردن مردم در جیب داشته باشند علیرغم تقلب در انتخابات و نق زدن کروبی و رفسنجانی ساکت شدند و منتظر ماندند.

در چهار سال اول ریاست جمهوری احمدی نژاد و نقش برجسته فرماندهان سپاه در سیاست گذاری و اداره کشور، ناراضیاتی مردم علیرغم افت و خیزهایش نه تنها فروکش نکرد بلکه عمیقتر، بنیادینتر و تهدید کننده تر از قبل پا به میدان گذاشت. نمونه برجسته آن تحرك جنبش کارگری در اول مه ۸۸ و گسترش جنبش خلاصی فرهنگی در

از صفحه ۲

نگاهی به ...

همه ابعاد جامعه بود. قبلا تشکلهایی از دانشجویان و زنان به این میدان آمده بودند اما فضای سرکوب و زندان و اعتراضات خفیه زود تشکلهای موجود آنها را کم اثر کرد. ولی جنبش کارگری و جنبش خلاصی فرهنگی را نمیتوانستند مثل جنبشهای دیگر نادیده بگیرند. جنبش اصلاح طلب حکومتی اینبار اعلام کرد که "احساس خطر میکند". احساس این جناح رژیم واقعی و درست بود. موسوی برای نجات رژیم و شریک کردن اصلاح طلبان در حکومت، به میدان آمد. از همان آغاز رقابتهای انتخاباتی معلوم شد که هر کدام از این جناحها برای حفظ رژیم و تسلط بر میلیاردها دلاری که از اموال مردم نصیب حکومت گران شده است اختلافشان به جای حساسی رسیده است. هر کدام از آنها طرف مقابل را به دزدی از این خوان یغما متهم میکرد. این اختلاف منافع به جایی رسیده بود که باید یک جناح، جناح دیگر را منکوب کند. امکان سازش و کنار آمدن به پایان رسیده بود. به همین دلیل اینبار مسئله تقلب در انتخابات مثل بار قبلی قابل چشم پوشی نبود.

جنگ جناحها بعد از اعلام نتیجه انتخابات به مرحله تازه ای رسید. جناح طرفدار اصلاحات حکومتی علیرغم اینکه میدانست مردم از اختلافات آنها برای تضعیف کلیت رژیم اسلامی استفاده میکنند، به این رضایت داد، به این امید که در وسط راه با اصلاحاتی در سیاست و قوانین حکومتی و انقلابی نیمچه مخملی بتواند آنرا کنترل کند و در چهار چوب نظام متوقف نمایند. اگر استراتژی اصلاح طلبان تا قبل از انتخابات شریک شدن در قدرت همراه جناح رقیب بود، اکنون استراتژی آنها به برکناری احمدی نژاد و خامنه ای ارتقا پیدا کرده است. زیرا اینها متوجه شده اند که استراتژی جناح حاکم نابودی سیاسی و حتی فیزیکی جناح بازنده انتخابات است. راهی برای حفظ سرمایه های موجودشان و حتی حفظ وجود فیزیکی رهبران بازنده انتخابات نمانده بود. به همین دلیل یا باید تسلیم صد در صد میشدند و سر و مال خود را با تمام سرمایه هایی که در طول عمر رژیم عایدشان شده است از دست میدادند و یا باید مقاومت میکردند. اصلاح طلبان حکومتی ناچار شدند راه دوم را انتخاب کنند. برای این امر

بجز استفاده از نفرت عمومی مردم علیه جمهوری اسلامی راهی برای آنها باز نبود و نیست. زیرا تمام ارگانه های سرکوب و کل امکانات مادی و سیاسی دولتی در اختیار جناح حاکم است. جناح مغلوب تنها امکانی که برایش مانده است نگهداشتن مردم در صحنه است. اتکای فعلی این جناح به مردم از این منفعت مادی و عینی سرچشمه میگردد. مردم هم از این جنگ جناحها دارند اهداف خود را تعقیب میکنند. کلیت رژیم اسلامی را تضعیف میکنند و به خط پایان عمر آن نزدیکتر میشوند.

دشمنان مردم به جان هم افتاده اند. مردم به دست پا لای در گذاشته اند و اجازه نمیدهند این دروازه بسته بشود. مردم با اتخاذ تاکتیک هشیارانه در قدم اول میخواهند جناح حاکم نه تنها موفق و پیروز این جنگ نباشد، بلکه در این جنگ شکست بخورد. زیرا شکست جناح حاکم در شرایط فعلی به معنی شکست کلیت دستگاه سرکوب جمهوری اسلامی در مقابل مردم است. بقول منصور حکمت این بادکنکی است که اگر سوراخ شود، میترکد و کلیت حکومت با جناحها و مهره های مختلف اش میروند. تصور کنید در پایان این جنگ احمدی نژاد و ولی فقیه قربانی شده اند و فرماندهان سپاه و بسیج و ارتش نتوانسته اند رهبر و رئیس جمهورشان را در مقابل تعرض مردم حفظ کنند. آن هنگام قطعا کسانی مثل موسوی و رفسنجانی و خاتمی نمیتوانند نقش خمینی را بازی کنند. اگر شانس یار آنها باشد احمد بنی احمد و یا در بهترین و دیر هنگام ترین حالت شاهپور بختیار میشوند. مردم از آنها عبور خواهند کرد. در آینده ایران بطور قطع هر حکومتی به قدرت برسد نمیتواند حکومتی مذهبی باشد. زیرا مردم علیه یک حکومت مذهبی به میدان آمده اند و کسی نمیتواند آنها را به زیر پرچم خونین اسلام برگرداند.

ما سالها قبل و مشخصا قبل از انتخابات همه این مولفه ها را به دقت بررسی و به جامعه اعلام کرده ایم مرتب آنها تکرار کرده ایم. به همین دلیل آگاهانه و با چشمی باز نه تنها از این جنبش حمایت میکنیم بلکه آنها را یک جنبش انقلابی برای رهایی میدانیم. ما میدانیم که هر قیام و شورش را نمیشود انقلاب

نامید این احزاب و جریانات موثر و دخیل در اعتراضات مردم هستند که یک چنین جنبشی را میتوانند به انقلاب و یا آنرا مهار و در نیمه راه به نتایجی عکس اهداف آن تبدیل کنند. انقلاب کار احزاب نیست اما بدون احزاب و بدون رهبری هم ممکن نیست. در عین حال هیچ جنبش توده ای را نمیتوان نامبرد که گرایشات و جریانات مختلف و متضاد در آن دخیل نباشند. همچنانکه جنگ با حاکمان جنگی سرنوشت ساز است، حاشیه ای کردن جریانات دخیل در اعتراضات هم به همان اندازه مهم و جدی است.

در این اعتراضات اخیر جنبشهای مختلفی با پرچمهای متفاوتی دخیل هستند. برد و باخت هیچکدام قطعی و از پیش تعیین شده نیست. اما میتوان روندهای سیاسی و تاریخی را دید و بر آن تاثیر گذاشت. من آینده این جنبش انقلابی اخیر را به دلیل وجود قوی جریان رادیکال و کمونیستی متحزب و موثر، و به دلیل تسلط فرهنگ ملون در جامعه روشن و امیدوار کننده میبینم. طبعاً جریان اسلامی مدافع جمهوری اسلامی اصلاح شده و کل نیروهای جنبش ملی اسلامی هم تلاش خواهند کرد که این جنبش را در نیمه را متوقف کنند. جریان ناسیونالیسم پروغرب هم با اتکا به همین جنبش ملی اسلامی اهداف خود را تعقیب میکنند. به نظر من علیرغم نقش فعلی جنبش ملی اسلامی آینده سیاسی ایران را دو جریان اصلی چپ کمونیستی و راست ناسیونالیستی پروغرب رقم خواهند زد.

انقلاب سوسیالیستی اگر در شرایط کنونی در گرو سرنگونی جمهوری اسلامی و حاشیه ای کردن همه مدافعین آن است، پیروزی سوسیالیسم بعد از جمهوری اسلامی در گرو حاشیه ای کردن جنبش ناسیونالیستی پرو غرب است. جریانات اسلامی با این شکل و قواره و سیاست فعلی نمیتوانند جلو انقلاب مردم را بگیرند. آنها تغییر خواهند کرد و در یک پروسه تاریخی همه آنها در زیر پرچم ناسیونالیسم ایرانی و برای "ایرانی ملون" و متحد آمریکا و غرب بر محور "منافع ملی" متحد خواهند شد.

شرط پیروزی بر جنبش ملی اسلامی و ناسیونالیسم پرو غرب این است که کمونیستها بتوانند فی الحال در راس جنبش انقلابی فعلی برای به زیر کشیدن جمهوری اسلامی قرار

گیرند. کسی که این جنبش را نادیده بگیرد، از همین حالا جنگ را باخته است. مردم را دو دستی تحویل جنبشهای ملی اسلامی و ناسیونالیستی داده است. سوسیالیسم و کارگر با خواندن او را ایدئولوژیک پیروز نمیشوند. جنبش سوسیالیستی یک جنبش قوی و موثر در ایران است. احزاب و فعالین و دلسوزان انقلاب سوسیالیستی در همین جنبش جاری باید بتوانند رهبری را بدست بگیرند و جنبشهای ضد انقلابی و غیر انقلابی را حاشیه ای کنند. سوسیالیسم پراتیک یعنی دخالت در سرنوشت جامعه برای رها و حاشیه ای کردن و شکست جنبشهای دیگر.

جنبش انقلابی برای سرنگونی رژیم اسلامی تا کنون با افت و خیزهای زیادی مواجه شده است. اما اکنون و بعد از سالها به جایی رسیده است که احساس قدرت میکند و با استفاده از شقه شدن دشمنانش به میدان آمده است که پیروز بشود. در این بزنگاه همه جنبشهای سیاسی و احزاب آنها تلاش میکنند ورق را به نفع خود برگردانند. کسی که خود را کنار میکشد و در این جنگ دخالت نمیکند از همین حالا بدون اینکه از کسی شکست خورده باشد پرچم سفید بلند کرده است و بی خاصیتی خود را اعلام کرده است. اولین کسی که از این اتفاق خوشحال خواهد شد همان حاکمانی هستند که فی الحال مشغول سرکوب مردم و به خانه فرستادن آنها هستند.

این درست است که اعتراضات اخیر به بهانه تقلب در انتخابات اوج گرفت. اما نباید فراموش کرد که این جنبشی است که ابتدا علیه کلیت رژیم اسلامی و علیه همین اصلاح طلبان و در دوران ریاست جمهوری خاتمی پا به میدان گذاشت و از همین جناح ضربه خورده است. افت جنبش سرنگونی طلبی هنگامی آغاز شد که هر دو جناح متحد و علیه آن در تیر ۷۸ به سرکوب آن پرداختند.

اکنون بخشی از زندانبانان قبلی در پشت میله های زندان هستند و رقبای خودی آنها برای سرکوب مردم ناچار شده اند که به خودیها هم رحم نکنند. همچنانکه در گذشته دورتر به توده ای اکثریتها و نهضت آزادی ... هم رحم نکردند.

همه اینها اکنون کم و بیش به اپوزیسیون حکومت فعلی رانده شده اند. همه اینها با سرکار آمدن جمهوری اسلامی پیروز شده بودند.

اما وجود جنبشهای اعتراضی و اخیرا با به میدان آمدن جنبش انقلابی برای به زیر کشیدن جمهوری اسلامی آنها را در موقعیت تازه ای قرار داده است. این به نفع مردم است که مدافعین دیروز این رژیم اکنون مخالفین آن شده اند. هر چقدر مردم با قدرت در میدان باشند ما شاهد تعداد بیشتری از این نوع اپوزیسیون خواهیم بود. بعید نیست فردا تعدادی دیگر از همین جناح حاکم صندلی خود را عوض کنند و به اپوزیسیون تبدیل شوند. از رفسنجانی منفور تر مگر خامنه ای و احمدی نژاد باشند. اما او هم ناچار شده است سفره خود را از خامنه ای و احمدی نژاد جدا کند.

هنگامیکه آب به لانه مورچه ها سرازیر میشود هر کدام از آنها به طرفی فرار میکنند تلاش میکنند خود را نجات بدهند. این اتفاقی است که اکنون سیل خروشان جنبش انقلابی مردم بر سر حاکمان و مدافعین جمهوری اسلامی آورده است. این سیل را باید خروشانتر و هدمندتر کرد. جنبش سوسیالیستی و کارگری فقط با سیاستی دخالتگرانه و آگاهانه برای پیروزی این جنبش که ابعاد میلیونی به خود گرفته است میتواند پیروز شود. جنبش انقلابی برای به زیر کشیدن جمهوری اسلامی بحث آلترناتیو آینده ایران را هم به جلو صحنه سوق داده است.

بالاخره در این جنگ و نتایج آن چپ و راست جامعه در مقابل هم صف آرایی کرده و میکنند. راستها به دلیل تشخیص منافع طبقاتی خود بلافاصله مواضع سیاسیشان شفاف شد. نیروهای ناسیونالیسم پرو غرب و مجاهدین خلق و اکثریت و توده ای ... همگی مستقیم و غیر مستقیم از موسوی حمایت خود را اعلام کرده اند. متاسفانه در میان چپ بجز حزب کمونیست کارگری که با تمام توان وارد این جنگ شده و تلاش میکند جنبش انقلابی مردم را در جهتی رادیکال و انسانی رهنمون شود، بقیه جریانات موسوم به چپ هنوز گیج و منگ هستند. هر کدام به دلیلی متوجه نیستند چه اتفاقی در ایران افتاده است. هنوز با معیارهای چند سال قبل به این جنبش مینگرند. تحلیلشان از حکومت و جنگ باندهای حکومتی در چهار چوبهای قبلی بیان میشود. در حالیکه جامعه وارد فازی سرنوشت ساز شده است. اما حزب کمونیست کارگری

از صفحه ۱

اینور خط

اند. این روزها مادران زیادی در به در دنبال فرزندانشان هستند، با این کابوس که جسد عزیزترین کس زندگیشان را تحویل بگیرند. این روزها همه ما با نگرانی اخبار رفتارهای وحشیانه مشتى جلا و جنایتکار را تعقیب میکنیم. خبر از دست دادن قدرت تکلم زندانیان، خبر تجاوز به زنان، خبر تکه تکه کردن جوانان، خبر وصل کردن زندانی به برق و دادن شوک الکتریکی، ... این روزها در لابلای اخبار پیشروی انقلاب، اخبار تجمع و تظاهرات، اخبار میتینگها و شعار دادنها

یک نگرانی بزرگ در فضا موج میزند. همزمان با شنیدن صدای زنانی که با قدرت و اعتماد میگویند ما کوتاه نمی آیم، خبر لبخند زدن مردم در خیابانها به همدیگر، نزدیک شدن انسانها با هم، در لابلای این اخبار، نگرانی در مورد سرنوشت صدها نفر دستگیر شده و ناپدیدشدگان هفته های اخیر لحظه ای ما را تنها نمیگذارد. مادران و پدران زیادی هنوز نمیدانند فرزندانشان بعد از یک ماه گم شدن کجا هستند و چه بلایی سر آنها آورده اند.

آنچه مرا وادار کرد این چند سطر را بنویسم، نامه های فرزندان کسانی است که در دستگاه حکومت اسلامی کاره ای بوده اند. فرزندان ججاریان ها و امین زاده ها، نامه های مشحون از نگرانی و احساس به پدران، نامه های فرزندان "اصلاح طلبان" حکومتی که دیروز در مسند قدرت بوده و امروز در سیاهچالهای حکومتی توسط دوستان قدیمی شان شکنجه میشوند.

نامه سوزناک دختری که به پدرش میگوید: "تو بهترین ها بودی و من سوال زیاد داشتم. در مورد کارهای تو و در مورد قوانین و ... به سوالات من پاسخهایی میدادی که قانع نمیکرد و من سوال میکنم چرا تو را گرفته اند و من نگران تو هستم و از اینکه چند روزی است ترا ندیده ام، بسیار غمگینم. ..."

به این جوانان که سوال دارند، به فرزندان حکومتیهای قبلی و زندانیان فعلی میگویم: در جایی محکم بایستید و گوشه‌هایتان را بطرف این سوی دیوار بگیرید، به همه ما گوش فرا دهید و سعی کنید قوی

مردم، با فرمان حجاب اجباری، جلا زمانه خینی آغاز شد. به ما فرمان دادند که حجاب را رعایت کنیم و شعار دادند "یا روسری یا توسری" وقتی گفتیم "آزادی نه شرقی است نه غربی جهانی است" و جوابشان را دادیم "نه روسری، نه توسری"، در ابتدا مردان ریشوی لمین، به ما فحاشی میکردند و سپس برق چاقوهایشان را دیدیم و در پایان با کلاشینکف به ما حمله کردند و با پونز چادرها را بر پیشانی ما پونز کردند و به صورتمان اسید پاشیدند و گرفتند و زدند. حمله به انقلاب و سرکوب انقلاب علیه حکومت شاه را با حمله به ما آغاز کردند.

به همه ما کارگران که اولین شلیک گلوله به سوی ما بود و به همه ما مردم کردستان که با توپ و تانک و از زمین و هوا به ما حمله ور شده و عزیزان ما را کشتند و تکه تکه کردند، گوش فرا دهید. آنزمان همه متحد بودند و کسی "اصلاح طلب" نشده بود. از بنی صدر که امروز مخالف این حکومت است تا همه دار و دسته های حکومتی و تا مجاهدین و حزب توده در معیت خینی، به ما حمله کردند و زخم عمیق این وحشیگریها بر تن و روح و روان فرزندان ما حک شده است...

به ما زنان سنگسار شده نگاه کنید. بخشی از قانون این مملکت که پدران شما سازندگان آن بوده و هنوز هم به این دوران "کارشان" افتخار میکنند، زجرکش کردن زنان و یا مردان، با پرتاب سنگ است. این قرون وسطایی ترین و وحشیانه ترین رفتار با انسانها، جزو قانون آن مملکت است و من مریم ایوبی هستم که در یک روز دردناک تابستان در روز ۱۱ جولای، در حالیکه از ترس بیهوش شده بودم، مرا با برانکار به محوطه زندان اوین برده و با پرتاب کردن سنگ، تکه تکه ام کردند، با این اتهام که رابطه جنسی خارج از ازدواج داشته ام و فرزندان من دو پسر ۶ و ۸ ساله اینرا تجربه کردند. من تنها قربانی این حکومت نبودم. ولی مرا در دوران خاتمی تکه تکه کردند...

پای صحبت فرزندان آنهايي بنشینید که سنگسارشان کرده اند. آیا در دنیا زخمی عمیق تر از این سراغ دارید که مادر و یا پدران را با پرتاب سنگ زجرکش کنند. گوشه‌هایتان را باز کنید و سعی

کنید محکم باشید و این حقایق را از زبان ما بشنوید. از زبان ما که همواره این ور دیوار بودیم و همواره به این حکومت "نه" گفتیم. به حرفهای سولماز و آرش و صدها کودکی گوش کنید که مادران و پدران آنها را به "جرم" فعالیت سیاسی دستگیر کرده اند و به دلیل ضد مذهب بودن، کمونیست بودن و فعالیت سیاسی کشته اند. اینها از مادران و پدرانشان جز عکسی و خاطره ای چیزی ندارند. آیا برای کودکان دردی عمیقتر از این را سراغ دارید که مادر و پدرانشان را اعدام کرده باشند؟

به آخرین نگاه ندا فکر کنید که وقتی قلبش را جنایتکاران نشانه رفتند، رو به سوی مردم کرد و با نگاهش گفت که ببینید چه جنایتکارانی هستند اینها و انتظار دارم که انتقام من و ما را از اینها بگیرید.

این آخرین نگاه برای همیشه در تاریخ ایران ثبت شد و این آخرین انتظار باید برآورده شود. حکومت اسلامی باید سرنگون شود!

من در اینجا از طرف میلیونها نفری حرف میزنم که این حکومت به آنها زخمهای مهلك زده است و قوانین قرون وسطایی اش، سبعیت و جنایتکاری اش، ضد زن و ضد انسان بودنش را با گوشت و پوست خود لمس کرده اند.

من دلارا دارایی هستم. دختر جوان و زیبایی که با نقاشی بزرگ شده و به رنگ و قلم مو علاقه داشتم. مرا گرفتند و بعد از سالها شکنجه روحی و جسمی، در یک روز دردناک، با کمال وحشیگری و بیرحمی، از خواب بیدار کرده و گفتند، بیا اعدامات میکنیم. و من از ترس به مامانم زنگ زدم و گفتم: مادر، پدر بیاید و بگوید که من میترسم، بیاید و بگوید که رحم کنند و هنوز پدر و مادرم نرسیده، مرا به یک اتاق بزرگ برده و طناب دار را به گردنم انداخته و من ۲۳ ساله را "اعدام" کردند.

من فرزندان فاطمه حقیقت پژوه هستم. زهرا و فرزین، گوشه‌هایتان را باز کنید و به جایی تکیه کنید تا نیفتید. مادر ما را همین امسال، در اوین در حالیکه نصف شب بود و ما در آنسوی دیوار زندان ایستاده بودیم، آورده و از چهار پایه ای بالا بردند و سپس چهار پایه را از زیر پای او

کشیدند، در حالیکه مامان ما به ما فکر میکرد و اینکه ما پدر نداریم و هیچکس را نداریم. او را کشتند و سپس اسم ما را صدا زدند و گفتند کار شما تمام شد، بروید و ساعت ۱۰ صبح برای گرفتن جسدش بیایید. میتوانست تصور کنید این یعنی چه؟، میتوانست زخم عمیقی که بر روان ما حک شده را درک کنید؟ میتوانست ایندین خلا و این درد سهمگین را درک کنید؟ ما هم سوال داریم چرا، چرا؟

من صدای مادرانی هستم که از سی سال قبل، دخترانشان را به اتهام فعالیت سیاسی و مخالفت با حکومت و مخالفت با پدران شما، گرفته و بعد از تجاوز آنها را کشتند و سپس به ازای گرفتن پول گلوله و یک جعبه شیرینی باخاطر "عروس شدن" دخترانشان، جسد آنها را تحویل دادند.

من صدای اعتراض همه قربانیان این حکومت فاشیست اسلامی هستم. همه دستگیرشدگان در طول سه دهه، همه اعدامیهای سه دهه، همه شکنجه شدگان و همه به قتل رسیدگان. متأسفانه این لیست بسیار بلند بالا است.

چند روز پیش پدران تعدادی از شما را به همراه مردم معترض و مردمی که علیه همه این جنایات انقلاب کرده اند، آوردند و در یک برنامه شیع اعتزاف گیری، نشان دادند که حکومتیها چه ظرفیت بالایی در جنایت و اعمال زور و شکنجه و چه ظرفیتی در سبعیت و وحشیگری دارند. باید بگویم که متأسفانه این صحنه برای ما که اینور خط هستیم اصلا نا آشنا نیست. با ما هم در طول این سه دهه بارها چنین رفتاری داشته اند. وادار کردن زندانی به اعتراف علیه وجدانش. این روش دیکتاتورها در طول تاریخ بوده و اینها دست همه را از پشت بسته اند.

در این روزها، که همه نگران جان عزیزان خود هستند، باز هم شما بدلیل رابطه داشتن با حکومت، بهتر و زودتر و بیشتر از همه از عزیزانتان خیردار میشوید. هزاران نفر در سیاهچالهای حکومت اسلامی اسیرند و حتی دسترسی به اسم و محل زندانی بودن اینها اکنون يك معضل بزرگ خانواده ها است.

خلاصه کنم. شما در مقابل

یاد عزیز علیرضا گرامی باد!



با کمال تاسف مطلع شدیم که علیرضا داوودی دانشجوی دانشگاه اصفهان پس از آزادی از زندان به دلیل شکنجه و آزار روحی و جسمی در زندان، پنج مرداد در سن ۲۶ سالگی بر اثر ایست قلبی درگذشت. علیرضا سخنگوی دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب در دانشگاه اصفهان بود از دست دادن این رفیق مبارز را به خانواده گرامیش تسلیت می گوید. یاد عزیزش گرامی باد.

هجده و نیم میلیارد دلار دیگر از ثروت جامعه را از ایران خارج کردند!

اند. یک نمونه آن دو حساب مجتبی خامنه ای است که یکی از آنها یک میلیارد و ششصد هزار دلار و دیگری حدود نیم میلیون یورو بود. محموله هجده و نیم میلیارد دلاری اخیر شامل ۲۰ تن شمش طلاست. بجز بانک مرکزی کدام ارگان میتواند ۲۰ تن طلا را نگهداری کند؟ بجز توافق بالاترین سران حکومت و اجازه رسمی از نهادهای دولتی چه کسی میتواند تریلی حامل ۲۰ تن طلا و هفت و نیم میلیارد دلار اسکناس را تا مرز ترکیه و بعد تا آنکارا بسلامت و بدون مزاحمت رد کند؟ پاسخ روشن است و خارج کردن این سرمایه هنگفت فقط با هماهنگی و حمایت باندهائی از خود حکومت صورت گرفته است.

با احتساب دویست هزار تومان بعنوان متوسط حقوق یکماه کارگران، مبلغ هجده و نیم میلیارد دلار خارج شده معادل حقوق یکماه بیش از ۹۰ میلیون کارگر است، یعنی چند ماه حقوق مزدبگیران کل جامعه ایران! این پول معال بودجه سالانه چند کشور جهان است! این فقط یک نمونه از چپاول مردم توسط سرمایه داران و آیت الله ها و سران حکومت اسلامی است و قبلا نیز سران رژیم پولهای بسیار زیادی را خارج کرده و به حساب خود در بانکهای کشورهای دیگر واریز کرده

آخرین خبر یک مورد دیگر از چپاول ثروت جامعه و ارسال آن به خارج ایران علنی شد. بنا به خبر منتشره در تلویزیون ترکیه فردی بنام "اسماعیل صفاریان نسب" یک محموله هجده و نیم میلیارد دلاری را در دسامبر ۲۰۰۸ از ایران خارج کرده و به ترکیه برده است. این محموله هجده و نیم میلیارد دلاری شامل مقداری پول نقد به دلار و بیست تن شمش طلا بوده است که در گمرک آنکارا توسط دولت ترکیه توقیف میشود. هنوز معلوم نیست که این پول هنگفت متعلق به کدام یک از آیت الله ها و سران حکومتی است و چگونه این غارت صورت گرفته است.

باز احتساب دویست هزار تومان بعنوان متوسط حقوق یکماه کارگران، مبلغ هجده و نیم میلیارد دلار خارج شده معادل حقوق یکماه بیش از ۹۰ میلیون کارگر است، یعنی چند ماه حقوق مزدبگیران کل جامعه ایران! این پول معال بودجه سالانه چند کشور جهان است! این فقط یک نمونه از چپاول مردم توسط سرمایه داران و آیت الله ها و سران حکومت اسلامی است و قبلا نیز سران رژیم پولهای بسیار زیادی را خارج کرده و به حساب خود در بانکهای کشورهای دیگر واریز کرده

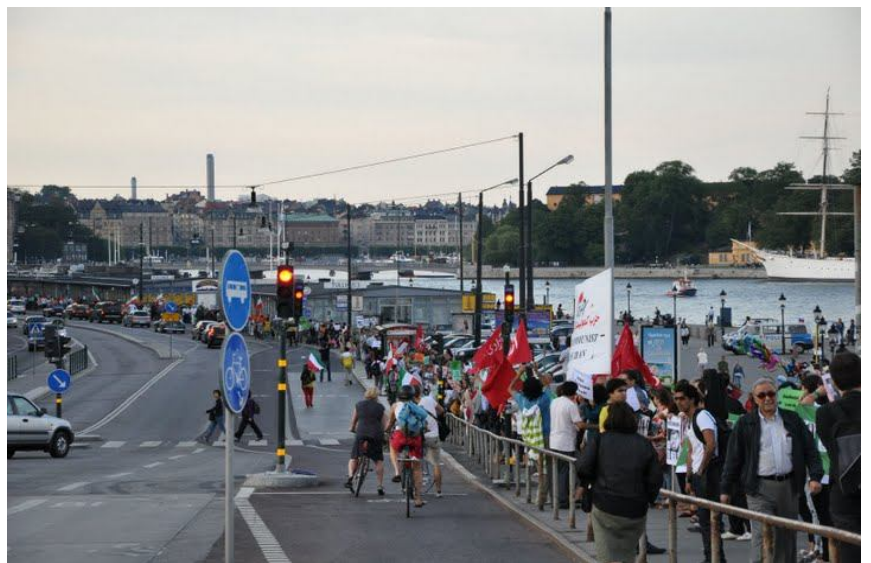
در فردای سرنگونی این حکومت ما مردم ما اینور خطیها، حرفهای زیادی برای زدن داریم و این حرفها را در دادگاههای بین المللی خواهیم زد که به جزییات این ماشین مخوف جنایت در سه دهه رسیدگی خواهد کرد و در آنجا همه سران جمهوری اسلامی از هر جناح محاکمه خواهند شد. اما شاید بهتر است اینرا نیز اضافه کنم که همه متهمین از حقوق یک انسان تحت محاکمه در یک جامعه مدرن و انسانی برخوردار خواهند بود. جنایاتشان افشا خواهد شد اما کسی حق نخواهد داشت به هیچ بهانه ای شکنجه فیزیکی و روحی بر کسی اعمال کند. جنایاتشان افشا خواهد شد تا هیچ کس دیگر هیچ وقت جرئت نکند در قبال هیچ انسانی به جنایت متوسل شود. به جرم شکنجه و اعدام و سنگسار انسانها محاکمه خواهند شد تا هیچ وقت هیچ کسی شکنجه و اعدام و سنگسار نشود. آری، با سرنگونی جمهوری اسلامی، با محاکمه سرانش، جامعه ای انسانی و

ما به پا خاسته ایم. ما زنان، ما کارگران، ما دانشجویان و ما مردم منجز از قوانین و روشهای قرون وسطایی اسلامی، ما مردم مدرن آزادیخواه و انساندوست، ما با یک انقلاب مدرن و انسانی، با یک انقلاب عظیم آمده ایم که به عمر ننگین کثیف ترین و وحشی ترین حکومت قرون پایان دهیم.

یک ماه است که ما بازیگران اصلی صحنه سیاست در ایران هستیم. در این بازی همه انسانیت، همه تمدن خواهی، همه انسانگرایی را میتوان دید. ما میخواهیم آزاد باشیم و زندگیمان زندگی بشر در قرن بیست و یک باشد با همه آزادی و برابری و رفاه و حقوق شایسته بشر در این قرن. ما از زندگی همه آنرا میخواهیم، و راه تحقق همه این آرزوهای انسانی، پایان دان به عمر بختکی است به اسم حکومت اسلامی. ما آمده ایم که تکلیف حکومت را یکسره کنیم. این حکومت باید برود. این حکومت باید

خودتان یک حکومت فاشیست و دیکتاتور را دارید که از روز آغاز همین گونه رفتار کرده، کشته و تکه تکه کرده و حتی نگذاشته، مردم داغدار راحت گریه کنند. اینها مشتی جلا و جنایتکار هستند که همه این سبعیت و وحشیگری را با استناد به قرآن و خدا انجام داده و می چایند و جیب هایشان را پر میکنند. در ایران حکومتی شبیه به نازیها، شبیه به حکومت پینوشه سرکار است که پدران شما آنرا ساخته و امروز خود قربانی شده اند.

میلیونها مردمی که این حکومت را سی سال است تجربه میکنند، میلیونها نفری که اینور دیوار بوده و همیشه به آنها حمله شده و همیشه پاسدار و بسیجی و سرکوبگران را در مقابل خود داشته اند، در دوران رفسنجانی، در دوران خمینی و خاتمی و امروز هم در دوران احمدی نژاد، این میلیونها نفر از کلیت این سیستم منجزند و این بار آمده اند که تکلیف آنرا روشن کنند.



یک دنیای بهتر

برنامه حزب را بخوانید
و در سطح وسیع توزیع کنید

به حزب کمونیست کارگری بپیوندید

Tel: 0046-739318404
Fax: 0046- 8 6489716
markazi.wpi@gmail.com

دفتر مرکزی حزب

حزب کمونیست کارگری ایران
۹ مرداد ۱۳۸۸ - ۳۱ ژوئیه ۲۰۰۹

اعتراض کارگران شرکت واگن پارس به دستمزدهای معوقه

کلیه نیروهای سرکوبگر رژیم باید از کارخانه ها و مراکز تولیدی اخراج شوند

بنا به خبری که اخیراً منتشر شده است، کارگران شرکت واگن پارس سالن غذاخوری این کارخانه را به صحنه اعتراض تند خود تبدیل کردند. در این خبر آمده است که کارخانه واگن پارس که در زمینه تولید واگن‌های راه آهن و مترو فعالیت دارد و زمانی ضمن مصارف داخلی تولیدات خود را به کشورهای نظیر سوریه، اندوزی و غیره صادر می‌کرد اکنون مدت سه ماه است که حقوق کارگران خود را پرداخت نکرده است و مدیر عامل آن در سخنرانی خود خطاب به کارگران این کارخانه گفته است که: "هیچ پولی برای پرداخت حقوق عقب افتاده آنها وجود ندارد و کسانی که نمی‌خواهند به کار در این کارخانه ادامه دهند می‌توانند از این کارخانه بروند!" طبق این خبر کارگران شرکت بعد از سه ماه کار بدون حقوق و چندین اعتراض، و پس از اینکه با این جواب مدیر عامل و تهدید توسط عوامل حراست مواجه شدند تمام شیشه‌ها، میز و صندلیها، تابلوها و دیگر وسایل سالن غذاخوری این کارخانه را شکستند و سالن غذاخوری را با خاک یکسان کردند.

در بخش دیگری از این خبر آمده

است: "لازم به ذکر است دو کارخانه مهم دیگر کشور یعنی شرکت ماشین سازی اراک و شرکت آذر آب نیز به زودی رسماً اعلام ورشکستگی خواهند کرد. به دستور مقامات امنیتی مدیران این دو شرکت در تلاش هستند تا اعلام ورشکستگی این دو کارخانه را به تأخیر بیندازند تا از همزمان شدن اعتراضات کارگری احتمالی در این دو کارخانه با دیگر کارخانه‌های ورشکسته جلوگیری کنند."

حزب کمونیست کارگری ضمن حمایت کامل از اعتراض کارگران شرکت واگن پارس، همه کارگران را به اعتراض یکپارچه علیه جمهوری اسلامی و به ورشکستگی کشاندن کارخانجات و تشدید فقر کارگران فرامی‌خواند. ثروت‌های افسانه‌ای سران رژیم و یک اقلیت مفتخور روی دیگر سکه فقر و بیکاری و خانه خرابی اکثریت عظیم مردم است و تنها با سرنگونی این حکومت است که میتوان به این جهنم پایان داد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۱ مرداد ۱۳۸۸، ۲ اوت ۲۰۰۹

انقلاب جاری علیه جمهوری اسلامی که میلیونها نفر را بخیانها آورد شیپور پایان حاکمیت جنایتکاران حکومت اسلامی را بصدا درآورده است. این اوضاع شرایط مناسبی برای طبقه کارگر بوجود آورده است که یک حرکت سراسری و قدرتمند علیه جمهوری اسلامی را سازمان دهد.

طبقه کارگر نیز نه تنها مانند اکثریت عظیم مردم ایران به جمهوری اسلامی و هیچ جناح آن توهمی ندارد، بلکه از مبارزه علیه بیحقوقی و برای خواستها و مطالبات برحق خود یک دم باز نایستاده است. بهمین دلیل رژیم اسلامی در طول حاکمیت خود برای پیشبرد اهدافش، برای تشدید استثمار و تحمیل بیحقوقی مطلق به کارگران و برای جلوگیری از اعمال اراده و قدرت کارگران به نیروی سرکوبش اتکا کرده است. شورای اسلامی و حراست و بسیج و غیره را به کارخانجات و محیطهای کار آوردند و علیه کارگران بکار گرفتند. تمام فلاکت و بیحقوقی و تعرضی که جمهوری اسلامی در اشکال گوناگون علیه کارگران سازمان داده است بدون چنین نیروی سرکوبی در محیطهای کار نمیتوانست عملی شود.

دست نیروهای سرکوب رژیم از حراست و بسیج تا سپاه و غیره باید از محیطهای کار کوتاه شود و ارگانهای ضد کارگری شورای اسلامی باید تماماً منحل شوند. این یک گام مهم در تعرض به حکومت و یک اقدام موثر و دخالتگرانه در اوضاع سیاسی کنونی و انقلاب جاری است.

در شرایط کنونی امکان موفقیت کارگران برای بیرون انداختن نیروی سرکوب از محیط کار از هر زمان بیشتر است. جنبش کارگری متعین تر از دیگر جنبشهای اعتراضی است، اشکالی از تشکلهای کارگری و طیفی از رهبران کارگری در سطح اجتماعی قدم به پیش گذاشته اند و امکان حمایت عملی مردم از این مبارزات بیش از هر زمان فراهم است.

در این شرایط میتوان و باید یک حرکت سراسری برای بیرون انداختن نیروهای سرکوب از محیطهای کار سازمان داد. حزب کمونیست کارگری به تمام کارگران کشور فراخوان میدهد که خود را آماده کنند و متحدانه برای کوتاه کردن دست ارگانهای سرکوب از تمامی محیطهای کار بمیدان بیایند. رهبران

و فعالین جنبش کارگری نقش حیاتی و مهمی برای بسیج کارگران و سازمان دادن یک جنبش قدرتمند برای بیرون انداختن ارگانهای سرکوب از محیطهای کار و انحلال شوراهای اسلامی دارند و با تشکیل منظم مجامع عمومی، انتشار بیانیه های مختلف، سازماندهی اعتصابات و اشکال مختلف اعتراض برای بکری نشانیدن این خواست و جلب حمایت مردم و سازمانها و نهادهای مترقی در ایران و در سطح بین المللی از این خواست میتوانند حرکتی وسیع در مراکز مختلف سازمان دهند.

حزب کمونیست کارگری برپائی یک جنبش وسیع و سراسری برای کوتاه کردن دست ارگانهای سرکوب از محیطهای کار را یک گام اساسی برای دخالت طبقه کارگر در اوضاع سیاسی جاری و برای پیشروی مبارزات کارگران علیه حکومت درحال فروپاشی جمهوری اسلامی میدانند و همه کارگران پیشرو و سوسیالیست را فرامیخواند که سازماندهی این حرکت مهم را در دستور خود بگذارند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۱ مرداد ۱۳۸۸ - ۲ اوت ۲۰۰۹

۱۲ اوت در همه جا علیه همکاری امنیتی نوکیا - زمینس با جمهوری اسلامی اعتراض کنیم!

اطلاعیه‌های بعدی شما را از برگزاری تظاهرات در کشورهای دیگر مطلع خواهیم کرد.

Göttingen: 12 August um 17 Uhr Gänsefiesel
Frankfurt: 12 August um 18 Uhr Hauptwache
Bremen: 12 August um 17 Uhr, Ansgarikirchhof
Köln: 12 August 18 Uhr vom Rudolfplatz

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران

۲ اوت ۲۰۰۹

اعتراضی برپا میشود. تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران از همگان دعوت میکند که این روز را به روز اعتراض جهانی علیه همکاری امنیتی نوکیا - زمینس با جمهوری جنایتکاراسلامی تبدیل کنند. در هر جا که امکانش را دارید میتینگ فراخوان دهید و در مقابل مراکز نوکیا و زمینس و یا در مراکز شهرها تجمع کنید و به این موضوع اعتراض کنید.

تا کنون در آلمان در این شهرها اعلام تظاهرات شده است و در

شرکت تله کوم تحت عنوان مبارزه با "تروریسم ای-انترنتی" مشغول باساز و تجهیز مراکز سرکوب دولتی نظیر نیروی انتظامی، سپاه پاسداران، بسیج و وزارت کشور می باشند.

پخش خبر همکاری بیشترمانه شرکت نوکیا - زمینس در سرکوب مردم ایران، صوچی از اعتراض و نفرت را در دنیا دامن زده است. به فراخوان چندین سازمان آلمانی و کمیته آلمان حزب کمونیست کارگری ایران در روز ۱۲ اوت در شهرهای مختلف آلمان، تظاهرات

سیستم های کنترل و ردیابی تلفن، کامپیوتر و موبایل در لیست کالاهای صادراتی آلمان به ایران ردیف شده است. بعنوان مثال شرکت رود شوارتر، تولید کننده باطوم های الکترونیکی، دستگاههای شوک، اعتراف کرده که تعدادی از این ابزار و آلات سرکوب را از طرق روسیه و امارات به ایران صادر کرده و در جریان حملات نیروهای امنیتی به تظاهر کنندگان به کار گرفته شده است. همچنین شرکت های برنامه سازی نظیر لاینوکس و مرکز کنترل وردیابی

شرکت نوکیا - زمینس با فروش تجهیزات شنود تلفنی و کنترل ترافیکی ای-انترنتی به جمهوری اسلامی ایران، عملاً به دستگیری و شکنجه و اذیت و آزار تعداد زیادی از مخالفین حکومت و مردم معترض، کمک کرده است.

شرکت ها و کمپانی های صنعتی و امنیتی آلمان، با حمایت مستقیم و غیر مستقیم دولت به تحکیم سیستم امنیتی و سرکوب جمهوری اسلامی یاری میرسانند. در این میان لیست بلند بالایی از ارسال ابزار آلات سرکوب و شکنجه،

اساس سوسیالیسم انسان است.

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.

نمایش شنیع "تواب" سازی را بر سر جمهوری اسلامی خراب کنیم!

رفیق فریدون صبوری درگذشت!



با کمال تأسف مطلع شدیم که رفیق فریدون صبوری، از بنیانگذاران اولیه "کانون مستقل معلمان ایران" در تهران و از دوستان صمیمی حزب کمونیست کارگری، روز ۱۹ ژوئیه ۲۰۰۹، بعد از چهار سال دست و پنجه نرم کردن با سرطان، در شهر مونترئال کانادا درگذشت. رفیق فریدون که دبیر شیمی در دبیرستان‌های تهران بود، در اوایل انقلاب همراه با دیگر رفقای اقدام به تأسیس "کانون مستقل معلمان ایران" در تهران کرد و فعالانه در مبارزات معلمان بر علیه رژیم شاه شرکت کرد. او بعد از سرنگونی آن رژیم و بدنبال تصفیه‌های اولیه دبیرستان‌های ایران از معلمان کمونیست و مبارز، در اواخر سال ۵۸ از کار اخراج شد.

۶۰ برای مدتی مخفی زندگی کرد و سپس مجبور به ترک ایران شد. به دنبال تأسیس حزب کمونیست ایران، رفیق فریدون صبوری به این حزب پیوست و تا آخرین روزهای زندگی اش، یکی از یاران و دوستداران منصور حکمت و جنبش کمونیستی باقی ماند. او در سازمان دادن اعتراضات مهاجرین و پناهندگان ایرانی بر علیه جمهوری اسلامی در مونترئال کانادا فعالانه شرکت کرد. رفیق فریدون همراه رفیق رفعت دانش، که او نیز متأسفانه دو سال پیش بر اثر ابتلا به سرطان سینه در مونترئال کانادا درگذشت، یکی از سازمان دهندگان اصلی مراسم‌های یادبود منصور حکمت و زندانیان جانباخته سیاسی نیز بود. حزب کمونیست کارگری ایران ضایعه از دست دادن رفیق فریدون صبوری را صمیمانه به خانواده،

به دنبال اوج گرفتن مبارزات مردم علیه رژیم شاه در سال ۱۳۵۷، رفیق فریدون صبوری که از اوایل دهه ۵۰ در ارتباط با دانشجویان و فعالین کمونیست به مبارزه سیاسی روی آورده بود، به یکی از سازمان‌های سیاسی موسوم به خط ۳ پیوست. پس از سرکوب‌های سال

کشته می‌شود این بازتاب قدرت انقلابی است که کل این رژیم را نشانه گرفته و آنرا در آستانه سرنگونی قرار داده است.

در کنار کسانی که خود تا دیروز در بر پائی این نوع نمایشات سهم داشته اند، دهها نفر از تظاهر کنندگان هفته‌های گذشته نیز به این اصطلاح دادگاه آورده شده بودند و با اتهاماتی نظیر "افسردگی" مواجه شدند که بوی خون از آن به مشام میرسد. و از همه مهمتر در کيفرخواست این دادگاه کثیف اسلامی بطور مذبح‌حانه و توهین آمیزی کوشش شد تا بر جنبش انقلابی بحق مردم علیه جمهوری اسلامی تحت عنوان "پروژه شکست خورده انقلاب مخملی" لجن نفرت و تحریف پاشیده شود. همه اینها مردم انقلابی و متمدنی را که بپاخاسته اند تا به دوره سیاه جمهوری اسلامی پایان دهند، در عزم و اراده خود برای به گور سپردن رژیم دروغ و دزدی و زندان و شکنجه و توبه و اعدام مصمم تر خواهد کرد.

نمایش اعتراف گیری رژیم همچنین تلاشی از سوی جناح احمدی نژاد - خامنه‌ای برای حمله به جناح مخالف خود و مقدمه‌ای بر تشدید بازمه بیشتر دعوای درونی جمهوری اسلامی است. اکنون بیش از گذشته روشن است که نه فقط چشم انداز سازش و مصالحه در نزاع‌های دستجات متعدد جمهوری اسلامی متصور نیست، که این اوباش در لشکر کشی علیه یکدیگر هردم به تحلیل می‌روند.

روز گذشته نمایش ضد انسانی اعتراف گیری و تواب سازی تحت عنوان "دادگاه متهمان آشوب‌های اخیر" و با حضور حدود صد نفر از دستگیر شدگان هفته‌های اخیر آغاز شد. این نمایشات توهین به حرمت انسانی بدون تردید موجی قدرتمند از نفرت و خشم را در مردم برخواهد انگیخت. بر هر ناظری واضح است که این اقدامات نه از سر قدرت که آخرین تلاش‌های رژیم مفلوک و درمانده جمهوری اسلامی در مقابله با انقلابی است که سرتاپای این رژیم را به لوزه درآورده است. مردم این آشوب و استیصال در صفوف اوباش اسلامی را می‌بینند و این نمایشات را بر سر برپا دارندگان خراب خواهند کرد.

گرچه برخی قربانیان نمایش رسوای دیروز خود به جریانی تعلق دارند که در دهه‌های اول جمهوری اسلامی دستگاه‌های مخوف امنیتی و از جمله پروژه‌های تواب سازی را بر علیه کمونیست‌ها و مخالفین نظام برپا کرد، اما حتی دیدن چهره ابطی و عطرینانفر که سعی می‌کنند عقاید قبلی خود را انکار کنند و بر علیه خود و همفکرانشان شهادت دهند برای هر انسانی مشتمت کننده و غیر قابل تحمل است. اما نباید از یاد برد که اینان امروز قربانی شیوه‌های ضد انسانی و رذیله‌های هستند که خود در شکل دادن به آن نقش مهمی ایفا کرده‌اند. سی سال است جمهوری اسلامی این بساط را علیه مخالفین خود بکار گرفته است و اگر امروز علیه جناحی از خود حکومت این تیغ

کارگران ایران خودرو جاده کرج را مسدود کردند

خودرو را به اتحاد و یکپارچگی برای تحقق خواست‌های خود و جلوگیری از اخراج همکارانشان فرامی‌خواند. حزب سایر مراکز کارگری و مردم آزادخواه را به همبستگی با کارگران و مبارزه آنها فرامی‌خواند. وقت آن است که بخش‌های مختلف مردم قاطعانه از مبارزات یکدیگر حمایت کنند و اتحاد مبارزاتی قدرتمندی را علیه حکومت اسلامی و برای تحقق خواست‌های بحق شان شکل دهند.

بنا به خبری که به حزب کمونیست کارگری رسیده است عصر روز ۱۲ مردادماه، تعدادی از کارگران ایران خودرو که با خطر اخراج مواجه هستند، جاده را بستند و در مورد خواسته‌های خود شعار دادند. از جزئیات این حرکت هنوز اطلاعاتی نداریم. لازم به توضیح است که بحران به ایران خودرو رسیده و خطر بیکاری تعداد زیادی از کارگران این مجموعه را تهدید می‌کند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۲ مرداد ۱۳۸۸، ۳ اوت ۲۰۰۹

حزب کمونیست کارگری قاطعانه از اعتراض کارگران ایران خودرو حمایت می‌کند و کلیه کارگران ایران

مردم انقلابی!
این نمایشات کثیف را به نیروی اعتراض خود متوقف کنید. نباید اجازه داد که جنایتکارانی که ۳۰ سال است این جامعه را به خاک و خون کشیده‌اند بیش از این در تقلا برای نجات خویش چنین حرمت انسان‌ها و پیش پا افتاده‌ترین حقوق انسانی را لگدمال کنند. حزب کمونیست کارگری همه شما را فرا می‌خواند تا وسیعاً علیه این نمایشات توبه سازی و علیه این توحش اسلامی که دادگاه و محاکمه نام گرفته است به میدان بیایید. برای باز کردن در زندان‌ها و آزادی همه زندانیان سیاسی متحد و متشکل شوید. رژیم اسلامی در محاصره انقلاب شمات و نباید به جانپان مهلت داد. با اعتراضات وسیع خود علیه این نمایشات و این جنایات به همه مردم دنیا نشان دهید که مصمم هستید تا کل جمهوری اسلامی را، برای همیشه به گذشته بسپارید. مصمم هستید جامعه‌ای بسازید که نه فقط مذهب هیچ جایی در حکومت و قضا و امور رسمی جامعه ندارد، نه فقط زندانی سیاسی و شکنجه و اعدام وجود ندارد، بلکه سرتاپای آن برای تأمین رفاه و شادی و حرمت انسانها ساخته شده است. جمهوری اسلامی همین است و همین بوده است و باید تماماً سرنگون شود.

مرگ بر حکومت اعدام و شکنجه سرنگون باد جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۱ مرداد ۱۳۸۸، ۲ اوت ۲۰۰۹

سوسیالیسم
بپا خیز!
برای
رفع تبعیض



سایت حزب: www.wpiran.org

سایت روزنه: www.rowzane.com
نشریه انترناسیونال: www.international.com
سایت کانال جدید: www.newchannel.tv

آدرس تماس با حزب:

Tel: 0046-739318404

Fax: 0046-8 6489716

Email: markazi.wpi@gmail.com

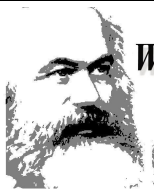
آدرس پستی

I.K.K

Box: 2110

127 02 Skärholmen - Sweden

مسئول صفحه بندی انترناسیونال: آر ش ناصری



WE STILL NEED **MARX**
TO CHANGE THE WORLD

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party of Iran
www.wpiran.org

لیست کمک مالی به کانال جدید

صمیمانه از دوستان عزیز که به کانال جدید کمک می‌رسانند تشکر می‌کنیم و دست تک تک آنها را می‌فشاریم. همه شما را فرامی‌خوانیم با کمک های خود تداوم فعالیت کانال جدید را تضمین کنید. دوستانان را نیز به کمک مالی به کانال جدید تشویق کنید.

صادق لرستانی	۱۰۰۰ دلار	سعید پرتو	۲۰ پوند
دوستدار حزب از ونکوور	۱۰۰۰ دلار	جهانبخش	۲۰۴ پوند
داریوش سیاتل	۵۰۰ دلار	محمود خرمشهر	۱۰۰ پوند
دوستدار از پری آتاریو	۵۰۰ دلار	پروانه، پری، رحمان	۵۰ پوند
مژگان روشن ضمیر	۵۰۰ دلار	نسیرین	۲۰۰ پوند
ابی صادقی	۵۰۰ دلار	بهار میلانی	۴۰ پوند
سیاوش امیدی	۵۰۰ دلار	آقای الهی از آلمان	۵۰۰ یورو
مسعود آذرنوش	۴۰۰ دلار	احمد جعفری	۱۲۰ یورو
تورج از امریکا	۳۰۰ دلار	حمید رحیم پور	۱۰۰ یورو
اعظم از امریکا	۲۵۰ دلار	ربابه شونگو	۱۰۰ یورو
سعید صالحی نیا	۲۰۰ دلار	آقای محبوب از آلمان	۱۰۰ یورو
عباس ایاق	۱۰۰ دلار	تشکیلات حزب د رهلند	۹۰ یورو
حسین م	۱۰۰ دلار	نادر ادیبی	۵۰ یورو
حمید م	۱۰۰ دلار	منوچهر ژندی فر	۵۰ یورو
وفا تبریزی	۱۰۰ دلار	شهنور معینی	۵۰ یورو
محمد هوشمند	۳۰۰ دلار	امید از هلند	۳۰ یورو
یدی محمودی	۱۷۵ دلار	بیگلری	۳۰ یورو
رضا پایدار	۵۰ دلار	رامین تقی پور	۱۰ یورو
ناصر اصغری	۵۰ دلار	کاظمی نژاد	۷ یورو
حسن گلزاری	۳۰ دلار	آقای رنجکش از آلمان	۲۰ یورو
مهین نریمانی	۵۰۰ دلار	مهران از آلمان	۱۰۰ یورو
سیما	۲۰۰ پوند	"لغو مجازات اعدام" از طریق عبدال	۵۰ پوند
داریوش از استرالیا	۱۰۰ پوند	منوچهر زندی فر	۵۰ یورو
مجید رضا از سوئد	۲۰ پوند	رامین تقی پور	۱۰ یورو
نصرالدین از سوئد	۲۰ پوند	مادام کلوت از فرانسه	۳۰ یورو
داریوش از امارات	۱۰ پوند	مسیو ولی و اتین از فرانسه	۳۰ یورو
پری	۵۰ پوند	روزبه اسماعیلی	۳۰ یورو
آرمان علوی	۱۰۰ پوند	احمد و منیژه	۵ یورو
پل و جری	۱۰۰ پوند	داریوش صفا	۱۰۰ یورو
دیون و لارا	۲۰۰ پوند	جمیله میرکی	۵۰ یورو
جمشید از طریق کیوان	۲۰ پوند	رضا آزموده	۳۰ یورو
ناصر از طریق کیوان	۳۵ پوند	افسانه از هلند	۵۰ یورو
آلفونسو	۵۰۰ پوند	تشکیلات حزب در هلند	۶۰ یورو
سهیلا شریفی	۱۰۰ پوند	مهناز از هلند	۱۰۰ یورو
جلیل جلیلی	۶۰۰ پوند	شهناز از هلند	۴۰ یورو
شیوا محبوبی	۲۰ پوند	داود رفاهی از دوی	۵۰ یورو

جمع این لیست ۴۴۲۰۰ دلار

تلفن تماس و شماره حسابهای کمک مالی:

کمک های خود را می‌توانید به این حسابها واریز کنید و یا از طریق تماس با واحدها و مسئولین حزب در کشور های مختلف تماس بگیرید و راهنمایی بخواهید.

شماره حساب ها:

انگلیس:

Account nr. 45477981
Sort code: 60-24-23
Account holder: WPI
Branch: wood green
Bank: Nat West

سوئد:

پست جیرو 639 60 60-3
صاحب حساب IKK

آلمان:

Rosa Mai
Konto.Nr.: 583657502
Bankleitzahl: 37010050
Post Bank

اگر از ایران ارسال می‌کنید: می‌توانید از طریق دوستانتان در خارج به حساب های فوق واریز کنید، و یا با شماره تلفن

۰۰۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

تماس بگیرید تا راه های دیگر را به شما معرفی کنیم. تقاضا می‌کنیم در همه موارد میزان و مشخصات مبلغ واریز شده و اسمی که باید اعلام شود را به ما اطلاع دهید.

جمیله دهداری	۵۰۰۰ کرون
افسانه وحدت	۲۰۰۰ کرون
ممد امیری	۲۰۰۰ کرون
مریم مطیعی	۱۰۰۰ کرون
سوسن صابری	۱۰۰۰ کرون
منصور فرزاد	۱۰۰۰ کرون
حسن سیاوشی	۱۰۰۰ کرون
آرش از استکهلم	۱۰۰۰ کرون
ناصر رحمانی	۵۰۰ کرون
هرمز رها	۵۰۰ کرون
سارا نخعی	۵۰۰ کرون
دوستدار کانال جدید	۵۰۰ کرون
شادی بهار	۵۰۰ کرون
لیندا از استکهلم	۵۰۰ کرون
سوسن صابری	۱۰۰۰ کرون
منصور فرزاد	۱۰۰۰ کرون
حمید حقشناس	۳۰۰ کرون
ارسلان امجدیان	۲۰۰ کرون
قاسم یاوری	۲۰۰ کرون
آراز	۱۰۰ کرون
علی افشاری	۱۰۰ کرون
آقای رحمانی	۱۰۰ کرون
مجید فرجیان	۱۰۰ کرون
ارسلان امجدیان	۲۰۰ کرون
شادی بهار	۵۰۰ کرون
دوستان سوئدی از طریق فریده	۵۰۰۰ کرون
آذر و هوشیار	۳۰۰۰ کرون
شاهو	۲۳۰۰ کرون
واحد استکهلم	
حزب کمونیست کارگری	۱۰۰۰۰ کرون
حسن آذری از گوتنبرگ	۲۰۰۰ کرون
هادی موسوی	۲۰۰۰ کرون
شاهرخ حیدری	۲۵۰ کرون
حمید حقشناس	۴۰۰ کرون

از ایران:

سیاوش امیدی	۵۰۰ هزار تومان
هرمز	۱ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان
نازلی	۱۰ میلیون تومان
حمید	۳ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان
فرهاد	۲۵ یورو
بهمن	۲۵ یورو

جمع این لیست ۴۴۲۰۰ دلار

یک دنیای بهتر

برنامه حزب را بخوانید و در سطح وسیع توزیع کنید

اساس سوسیالیسم انسان است. سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.



از صفحه ۱ **فراخوان به تظاهرات ...**

روز ۲۸ مرداد دست به اعتصاب عمومی بزنیم، کارگاهها و مغازهها و ادارات را تعطیل کنیم، به خیابان بیاییم و در اشکال مختلف اجتماعات اعتراضی خود را علیه سی سال اعدام و جنایت و سرکوب برپا کنیم.

مردم آزادیخواه در سراسر کشور
روز ۲۸ مرداد را به روز محکومیت لشکرکشی و جنایت رژیم علیه مردم ستمدیده کردستان و روز اعلام انزجار از حکومت قتل و شکنجه و اعدام و زندان در سراسر کشور تبدیل کنیم. همه شما انسان های شریف و آزادیخواه در سراسر کشور را فرامیخوانیم علیه سی سال قتل و جنایت رژیم در کردستان و در سراسر ایران بمیدان بیایید و اتحاد و همبستگی قدرتمندی را علیه رژیم اسلامی بنمایش بگذارید.

روز ۲۸ مرداد باید بعنوان یک روز مهم در جریان مبارزه انقلابی مردم آزادیخواه برای بزیر کشیدن

توده ای عظیم که نیروهای چپ و کمونیست نقش و تاثیر مهمی در آن داشتند در تمام این سالها ادامه یافت و علیرغم برقراری يك میلیتاریسم تمام عیار در این ۳۰ سال، جمهوری اسلامی نه تنها نتوانست جای پائی در کردستان پیدا کند بلکه کمونیسم و چپ و آزادیخواهی به يك جریان محبوب و يك قطب قوی در جامعه کردستان بدل شد. اکنون، در شرایطی که حرکت انقلابی مردم ایران برای سرنگونی جمهوری اسلامی ناقوس مرگ کل رژیم را بصدا در آورده، در شرایطی که مردم برای جارو کردن حکومت اسلامی در ابعاد میلیونی پیاخته اند، ۲۸ مرداد سالروز حمله وحشیانه به مردم کردستان را باید به يك حرکت سراسری و عظیم تبدیل کرد. در ۲۸ مرداد میتوانیم و باید رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی را يك گام دیگر به سرنگونی نزدیک کنیم.

از حمله به کردستان شروع کرد و پس از کردستان در دانشگاه و کارخانه و کل جامعه برای سرکوب آزادیخواهی دست به توحش زد و در نهایت با قتل عامهای سال ۶۰ و ۶۱ انقلاب را به شکست کشانید.

خمینی در ۲۷ مرداد سال ۱۳۵۸ علیه مردم کردستان اعلام جهاد داد و با حمله به پاره در روز ۲۸ مرداد يك يورش نظامی همه جانبه به کردستان آغاز شد. با فرمان خمینی گله وسیعی از اوباشان رژیم از کفن پوش و بسیجی تا نیروی سپاه ارتش و غیره به کردستان روانه شدند و مردم کردستان از زمین و هوا زیر آماج گلوله و خمپاره و توپ و بمب قرار گرفتند و در يك جنگ تمام عیار هزاران نفر مردم کردستان جان باختند، شهرها اشغال شد و سر هر تپه و کوچه ای نیروهای سرکوبگر مستقر شدند. همزمان با فرمان خمینی و بدستور وی خلخال جلا به

از صفحه ۳ **نگاهی به ...**

مهمی از نیروهایی که خود را چپ میدانند، حزب کمونیست کارگری وظیفه خود میدانند که با اتکای اصلی اش به جنبش کارگری و جنبش انقلابی مردم برای آزادی و خلاصی فرهنگی و رهایی از قوانین و مقررات مذهبی تلاش کند این جنبش به پیروزی برسد و رژیم اسلامی را به زیر بکشد. تلاش ما این است که سد و مانع نیروهای جنبش ملی اسلامی و ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی در جلو پیشروی جنبش انقلابی مردم را کنار بزنیم و راه پیروزی این جنبش را هموار کنیم. مدافعین انقلاب کارگری در قدم اول راهی بجز این ندارند که تلاش کنند این جنبش انقلابی برای به زیر کشیدن جمهوری اسلامی به پیروزی برسد. این کاری است که حزب کمونیست کارگری با تمام قدرت درگیر آن است. ما همه نیروهایی چپ و آزادیخواه را به تقویت این صف فرامیخوانیم.*

علیرغم هشدارش به همه نیروها و جریاناتی که خود را چپ میدانند اعلام کرده است که این دوران حساس و سرنوشت ساز است. در این جنگ مردم در نهایت بین چپ و راست یکی را انتخاب میکنند. چپی که در این جنگ خود را دخیل نمیداند و وظیفه ای برای خود قایل نیست و یا حتی علیه حضور مردم در خیابان است جزو تلفات اتفاقات تاریخی محسوب میشوند. اما چپی که احساس مسئولیت میکند و خود را بخشی از جنبش انقلابی مردم میدانند و میخواهند راه انقلاب کارگری را مهار کنند راهی بجز تقویت حزب کمونیست کارگری به رویش باز نیست. چپ ایران اگر شانس داشته باشد این است که این حزب به قدرت برسد. در غیر اینصورت چپ باید دهها سال دیگر بنشیند و با همدیگر بحث تئوریک بکند.

علیرغم گیجی و منگی بخش



جمهوری اسلامی بدل بشود. حزب کمونیست کارگری کلیه انسانهای آزادیخواه در کردستان و در سراسر کشور را فرامیخواند برای محکومیت توحش رژیم اسلامی در کردستان بمیدان بیایند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۶ مرداد ۱۳۸۸ - ۲۸ ژوئیه ۲۰۰۹

مردم آزادیخواه کردستان

روز ۲۸ مرداد امسال باید به روز نمایش قدرت و اتحاد مردم در کردستان و سراسر ایران بدل شود. در این روز باید با يك حرکت سراسری و قدرتمند در کردستان رژیم اسلامی را بخاطر سی سال ستم و کشتار و اعدام با صدایی رسا محکوم کرد و یاد همه جانباختگان در این سالها را در مبارزه علیه حکومت اسلامی گرامی داشت. در سراسر کردستان در

کردستان آمد و صدها نفر از جوانان و انقلابیون را بدون محاکمه یا بعد از محاکمات چند دقیقه ای به اعدام محکوم کرد.

در مقابل توحش افسارگسیخته رژیم در کردستان يك جنبش آزادیخواهی توده ای در دفاع از دستاوردهای انقلاب بیاخت و مسلحانه در مقابل رژیم اسلامی ایستاد و مقاومت کرد. این حرکت

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

چند گزارش از برگزاری تظاهرات علیه جمهوری اسلامی در ارتباط با مضحکه تحلیف احمدی نژاد

نروژ، آلمان، سوئد و سوئیس

نروژ

روز سه شنبه، ۴ اوت، تظاهراتی برای افشا و محکومیت اعمال ضد انسانی حکام اسلامی ایران و برای



همبستگی با جنبش انقلابی مردم در مرکز شهر اسلو برگزار شد. این تظاهرات که بوسیله کمیته حمایت از مبارزات مردم ایران برگزار شد با یک دقیقه سکوت برای گرامیداشت یاد جانبانگان اخیر جنبش انقلابی مردم در برابران و همه جانبانگان راه آزادی و برابری آغاز شد. برنامه با شعارهای انقلابی علیه رژیم اسلامی حاکم بر ایران به زبانهای فارسی و

سوئیس

روز سه شنبه ۴ اوت از ساعت ۲ بعد از ظهر بیش از ۱۰۰ نفر از ایرانیان مقیم سوئیس در دفاع از اعتراضات مردم ایران و محکوم کردن جنایات جمهوری اسلامی دست به تظاهرات زدند. در این تظاهرات که در ارتباط

شده بود، فعالین حزب کمونیست کارگری ایران شرکت فعالی داشتند و همچنین بیانیه مربوط به ده خواست فوری مردم میان شرکت کنندگان توزیع شد. در پایان، تظاهرات کنندگان با تصویب یک قطعنامه به اعتراض خود پایان دادند.

سوئد - گوتنبرگ

روز چهارشنبه ۵ اوت به فراخوان تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران در گوتنبرگ سوئد تظاهرات ایستاده ای در اعتراض به جمهوری اسلامی و شرکت سفیر سوئد به عنوان نماینده اتحادیه اروپا در مراسم تحلیف احمدی نژاد برگزار گردید. تظاهرات ساعت ۶ بعد از ظهر در میدان گوستاو آدولف آغاز شد. در ابتدا سوسن صابری بیانیه اعتراضی حزب به زبان سوئدی که در آن شرکت نماینده دولت سوئد در مراسم تحلیف شدت محکوم شده بود را قرائت کرد.

بر روی باندرونها شعارهایی به زبانهای سوئدی و فارسی از این قبیل



دیده میشد: "جمهوری اسلامی را به دلیل جنایت علیه مردم ایران محکوم میکنیم، حکومت اسلامی نمی خواهیم و نه به دیکتاتور". تظاهرات روز چهارشنبه در گوتنبرگ بخش دیگری از اعتراض مردم در داخل و خارج از ایران برای رسوایی و انزوای هرچه

با مضحکه تحلیف احمدی نژاد برگزار می شد، مردم معترض پس از طی مسافتی در مقابل سفارتخانه رژیم در شهر برن تجمع کردند و با سردادن شعارهای محکم علیه کلیت نظام به اعتراض خود ادامه دادند. در این تظاهرات که از طرف کمیته برگزاری تظاهرات در سوئیس برگزار

نروژی ادامه یافت. در طول برنامه که میکروفون برای همه آزاد بود فعالین حزب سخنرانیهایی در مورد جوانب مختلف جنبش انقلابی جاری در ایران به زبانهای فارسی و نروژی ایراد کردند. در محل تجمع نمایشگاه عکس از مبارزات مردم ایران و جنایات رژیم اسلامی مورد بازدید و

ادامه داشت فعالین و دوستداران حزب با بلندگوی دستی قوی به زبانهای فارسی و سوئدی شعار می دادند مرگ بر جمهوری اسلامی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد، حکومت مذهبی نمیخواهیم و مرگ بر دیکتاتور و این شعارها شورو شوق خاصی در میان جمعیت بوجود آورده بود. روز چهارشنبه ۵ اوت این اعتراضات ادامه یافت. در طول بر گزارکنندگان طبق معمول آکراه داشتند که شعارهای سرنگون طلبانه سر دهند. اما جمعیت معترض از هر فرصتی استفاده می کرد و با قدرت این شعارها را سر می دادند بطوریکه فضا چنان بر برگزار کنندگان تنگ شد که مجبور شدند از بلندگو شعارهای "مرگ بر جمهوری اسلامی" و "موسوی بهانه است کل رژیم نشانه است" را تکرار کنند. در مراسم این روز چندین نفر به زبان سوئدی سخنرانی کردند و ضمن محکوم کردن اعمال جنایتکارانه جمهوری اسلامی، مبارزات آزادیخواهانه مردم ایران را مورد حمایت قرار دادند.

آلمان

فرانکفورت - هامبورگ

روز ۵ اوت در شهر فرانکفورت به دعوت واحد حزب در این شهر میتینگی در برابر کنسولگری جمهوری اسلامی برگزار شد. این میتینگ از ساعت ۵ شروع شد و تا حدود ساعت ۱۷ ادامه یافت. در این میتینگ از جانب کادرهای حزب چندین سخنرانی کوتاه ایراد شد. سخنرانان به وضعیت مستاصل جمهوری اسلامی اشاره کردند و توضیح دادند که چطور این رژیم مجبور است برای انجام مراسم مسخره تحلیف احمدی نژاد هزاران نیروی نظامی را در مقابله با مردم معترض به خیابان بیاورد. تلویزیون آلمانی هار از این تظاهرات فیلمی تهیه کرد که در نوبت از آن تلویزیون پخش شد. در هامبورگ نیز تظاهرات مشابهی از سوی مخالفان جمهوری اسلامی در مرکز شهر برگزار گردید و تظاهرکنندگان با شعارهای سرنگونی طلبانه پاسخ مضحکه تحلیف احمدی نژاد را دادند.

تشکیلات خارج کشور حزب

کمونیست کارگری ایران

۱۶ اوت ۲۰۰۹

بیشتر جمهوری اسلامی بود. شعار جمهوری اسلامی سرنگون سرنگون و سخنرانیهایی پی در پی از جانب سوسن صابری و تعدادی از شرکت کنندگان توجه مردم زیادی را به این تظاهرات جلب کرده بود.

بخش زیادی از شعارها و سخنرانیهایی در این تظاهرات مستقیماً متوجه دولت سوئد و اتحادیه اروپا بدلیل شرکت در مراسم سوگند احمدی نژاد بود. به همین دلیل بر روی پلاکاردها نوشته شده بود شرکت سفیر سوئد در مراسم تحلیف احمدی نژاد محکوم است و تظاهرکنندگان علیه نخست وزیر سوئد شعار می دادند: "خجالت خجالت راینفلد خجالت" و همچنین "خامنه ای جنایت می کند سوئد سکوت می کند". در پایان تظاهرات، ۱۰ فرمان فوری مردم از سوی سوسن صابری خوانده شد و شرکت کنندگان برای بند بند آن دست می زدند و در تائید آن هورا می کشیدند. در ادامه اعتراض به دولت سوئد روز پنجشنبه ساعت ۱۱ صبح هیات هفت نفره ای نیز به دفتر روزنامه یتوبوری پستن مراجعه کردند و بدلیل عدم انعکاس اعتراض ایرانیان به جمهوری اسلامی با یکی از مسئولین این روزنامه صحبت کردند و اعتراض خود را به آنها اعلام کردند.

سوئد - استکهلم

طی روزهای ۴ و ۵ اوت دو حرکت اعتراضی در استکهلم برگزار شد که حدود ۱۶۰۰ نفر در آنها شرکت داشتند. این اعتراضات از جانب کمیته دفاع از مبارزات مردم در ایران فراخوان داده شده بود. فعالین و دوستداران حزب در هر دو این تظاهرات فعالانه شرکت داشتند و با شعارهای مرگ بر جمهوری اسلامی، باندرونها آزادی برابری و همچنین تعداد زیادی پلاکاردها با عکس احمدی نژاد که خط باطل بر آن کشیده شده بود و بر آن به زبان انگلیسی نوشته شده بود go to hell توجه ها را بخود جلب کردند.

روز سه شنبه ۴ اوت در مسیر راهپیمایی معترضین که یکساعت

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!